

شقه‌یی از سرگذشت مرا خواسته‌اید اجمالاً آنست که عمری در مدرسه صرف کردم و از آنچه بیشترینه مردم آن را به بیهوده در کتاب و مدرسه می‌جویند نشانی ندیدم و بعد از هفتاد سال هنوز آن را همه جا می‌جویم و هیچ‌جا نمی‌یابم. در اواخر اسفند ماه سال ۱۳۰۱ شمسی در بروجرود در کوی صوفیان چشم به جهان گشودم. در پنج سالگی به مکتب رفتم و آنجا با سوره‌های کوتاه اواخر قرآن کریم آشنا شدم، اما خط نیاموختم و سال بعد از آن در یک مدرسه غیردولتی به نام «دبستان» با خط و حساب آشنایی پیدا کردم. دوره ابتدایی و قسمتی از دوره متوسطه را در همان شهر زادگاه خود طی کردم اما تحصیلات متوسطه‌ام را در طهران به پایان رساندم.

پدرم مردی پارسا بود و مجالس تلاوت قرآن و دعا تقریباً همه هفته در خانه ما برقرار بود. اکثر ملاحای شهر و گاه واعظان و روضه‌خوانهایی که از قم و اصفهان و طهران و مشهد به بروجرود می‌آمدند در مجالس خانه ما آمد و شد داشتند و بعضی از آنها در ماه‌های متبرک محرم و صفر مهمان پدرم بودند. تحت تأثیر این محیط و تا حدی به الزام پدر به مجالس تفسیر که بیشتر در ماه رمضان و گاه، رجب و شعبان نیز، در مساجد محله ما دایر می‌شد شرکت کردم. پدرم به شرطی به ادامه تحصیل در دوره متوسطه رضا داد که پا به پای آن در مدرسه طلاب هم که در همان محله صوفیان بود و مدرسه نوربخش نام داشت چیزی بیاموزم. در همان ایام قدری صرف و نحو و بلاغت بدانگونه که در جامع‌المقدمات و در سیوطی و مغنی و مطول معمول بود تدریجاً در نزد مدرسان آنجا، خواندم و بر پارهی سطوح فقه مرور کردم.

در مدرسه متوسطه با چیزی از علوم جدید و پارهی زبانهای اروپایی آشنایی یافتیم. در هجده‌سالگی معلم شدم و به تدریس تاریخ و ادبیات فارسی و احیاناً علوم جدید پرداختم. در بیست و دو سالگی اولین کتابم تحت عنوان فلسفه شعر در بروجرود چاپ شد (۱۳۳۳) و شامل مروری بر تاریخ و تحول انواع شعر بود. از همان ایام ترجمه شعراالعجم تصنیف مولانا شبلی نعمانی و نیز کتاب سخن و سخنوران تألیف استاد بدیع‌الزمان در من تأثیر فوق‌العاده‌یی داشت.

قسمتی از اوقاتم نیز در مطالعه تاریخ که آن را در مدارس متوسطه خرم‌آباد و بروجرود تدریس می‌کردم صرف شد. در سالهای آخر متوسطه بودم که تحت تأثیر مطالعه آثار هربرت اسپنسر و کتاب معروف Golden Bough اثر جیمس فریزر به مطالعات فلسفی، جامعه‌شناسی و تاریخ ادیان علاقه یافتیم و این مباحث مرا به علم کلام و فلسفه اسلامی و مسیحی علاقمند کرد. کتاب کشف المراد در شرح تجرید الکلام خواجه نصیر و کتاب شرح هدایة الانیریه میبیدی از اولین کتابهایی بود که در این رشته‌ها نزد استاد خواندم.

استادانم از جمله شامل مرحوم حاج شیخ ابوالحسن شعرانی و اقامیرزا عبدالوهاب فرید تنکابنی بود. به ارشاد و هدایت استاد شعرانی که بعضی اجزاء کتاب نجات شیخ را هم از او آموختم به فلسفه مسیحی اروپایی (تومیسمن نو) علاقمند شدم و دوره فلسفه لاهر Lahr را که به زبان فرانسوی بود با دقت و علاقه دنبال کردم. الهیات اشارات و بخش سمع‌الکیان شفا را که ترجمه‌ای از آن در همان ایام به نام فن سماع طبیعی نیز به فارسی نشر شده بود در مدرسه خان مروی و مدرسه محمدیه بازار طهران نزد استادان مرور کردم.

در ورود به دانشکده ادبیات (۱۳۳۴) تحت راهنمایی استاد عبدالعظیم قریب و استاد بدیع‌الزمان فروزانفر و استاد احمد بهمنیار به غور و بررسی در متون نظم و نثر فارسی تشویق شدم. در همان ایام در بعضی مدارس متوسطه طهران (= دبیرستان‌ها) به تدریس ادبیات، تاریخ، فلسفه و زبان‌های خارجه اشتغال داشتم. در عین حال چندین سال سردبیر روزنامه فرهنگی مهرگان و مدتها عضو شورای سردبیران بعضی مجلات ادبی بودم. در کتابخانه مجلس شورای ملی و کتابخانه ملی و ملک قسمتی از اوقاتم صرف بررسی نسخه‌های خطی نادر و جالب شد اما رغبتی به کار تصحیح متون پیدا نکردم.

در مجلات و روزنامه‌های طهران مقالات و گاه اشعارم چاپ می‌شد و درین مقالات به نقد ادبی و مسایل تاریخی و فلسفی علاقه بیشتر نشان دادم. در دوره دکتری ادبیات از مجالس درس استاد سعید نفیسی، ملک‌الشعراء بهار و استاد ابراهیم پورداود استفاده کردم و با آنکه یکچند به آموختن زبان پهلوی و مطالعات اوستایی و تاریخ ایران باستان جلب شدم، تدریجاً به تاریخ اسلام، تصوف اسلامی و الهیات فلسفه علاقه بیشتر پیدا کردم. رساله دکتری را درباره مباحث نقد ادبی نوشتم اما تحریر آن رساله که هفت سالی مدت گرفت مرا به مطالعه و تحقیق بیشتر در ادبیات عرب، ادبیات اروپایی و آنچه ادبیات تطبیقی می‌خوانند کشاند.

در ضمن اشتغال به این مطالعات، تدریس تاریخ و فلسفه در مدارس متوسطه که لازمه شغل معلمی من بود مرا به بحث در عقاید کلامی در تاریخ مشاجرات فرقه‌های اسلامی برانگیخت رساله‌یی مختصر که درین باب نوشتم و بعدها در مجله آموزش و پرورش چاپ شد توجه استادان دانشکده معقول و منقول را جلب کرد و بلافاصله بعد از گذراندن رساله دکتری از طرف رئیس آن دانشکده برای تدریس تاریخ علم کلام و تاریخ مشاجرات فرق دعوت شدم. غیر از این دو مبحث، تاریخ اسلام، تاریخ تصوف، تاریخ ادیان و تاریخ علوم اسلامی زمینه‌های دیگری بود که طی دوازده سال (از ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۷) در آن دانشکده به تدریس آنها اشتغال داشتم. در همین دانشکده بود که با استاد سیدحسن تقی‌زاده، استاد شیخ محمد عبده و استاد محمود شهابی خراسانی آشنا شدم و از محضر آنها کسب فیض کردم. همچنین در همین دانشکده بود که همکاری طولانی با استاد مجتبی مینوی، الهی قمشه‌یی، دکتر علی‌اکبر فیاض، سیدفخرالدین شادمان و دکتر مهدی حمیدی به دوستی انجامید و از صحبت هر یک از آن عزیزان استفاده‌های روحانی حاصل نمودم.

در همان ایام از جانب استاد تقی‌زاده برای ترجمه و تکمیل و تدوین مقالات مربوط به هند از چاپ قدیم دائرةالمعارف اسلام دعوت شدم و درین زمینه چندین مقاله ترجمه و تعدادی مقالات تألیف کردم. چندی بعد هم باز به دعوت وی در کتابخانه مجلس سنا به عنوان مشاور عالی انتخاب شدم و به انتخاب و سفارش دادن کتابهای مربوط به فرهنگ و ادبیات اسلامی اشتغال جستیم. در صحبت استاد فروزانفر یک بار برای شرکت



زرین کوب

در مجلات و روزنامه‌های طهران مقالات و گاه اشعارم چاپ می‌شد و درین مقالات به نقد ادبی و مسایل تاریخی و فلسفی علاقه بیشتر نشان دادم. در دوره دکتری ادبیات از مجالس درس استاد سعید نفیسی، ملک‌الشعراء بهار و استاد ابراهیم پورداود استفاده کردم و با آنکه یکچند به آموختن زبان پهلوی و مطالعات اوستایی و تاریخ ایران باستان جلب شدم، تدریجاً به تاریخ اسلام، تصوف اسلامی و الهیات فلسفه علاقه بیشتر پیدا کردم. رساله دکتری را درباره مباحث نقد ادبی نوشتم اما تحریر آن رساله که هفت سالی مدت گرفت مرا به مطالعه و تحقیق بیشتر در ادبیات عرب، ادبیات اروپایی و آنچه ادبیات تطبیقی می‌خوانند کشاند.

در پنجمین دوره مؤتمر اسلامی در بغداد و یک بار برای شرکت در بیست و سومین کنگره خاورشناسان در دهلی دعوت و مأمور شدم و چند هفته‌ای نیز در پاکستان به دیدار از دانشگاه‌ها و ایراد سخنرانی در بعضی مجامع علمی آن سرزمین پرداختم و با بعضی از اکابر آن سرزمین مثل مرحوم حسام‌الدین راشدی، ممتاز حسن و استاد فضل‌الرحمن دوستی پیدا کردم.

بعد از آن ضمن ادامه تدریس و تحقیق چندین سفر علمی به اروپا کردم که از جمله بازدید از مؤسسات لغت‌نویسی آکسفورد، لاروس، بروکهاوس و المنجد بود که ناظر به ایجاد مؤسسه لغت‌نویسی وابسته به مؤسسه فرانکلین بود و در قسمتی از این بازدیدها از صحبت استاد مجتبی مینوی برخوردار بودم.

در ضمن فعالیت‌های دیگر که شامل تدریس در دانشکده‌ها و همکاری با مجلات ادبی از قبیل مجله سخن و مجله یغما بود، مقالاتی هم به فارسی و انگلیسی برای دائرةالمعارف فارسی چاپ طهران و چاپ جدید دائرةالمعارف اسلام طبع لیدن نوشتیم و در بعضی مجامع بین‌المللی از جمله کنگره مورخان در وین، اطریش شرکت کردم (۱۹۶۵). در طی سفرهای تابستانی مکرر به سوئیس و آلمان و انگلستان و ایتالیا و اسپانیای و فرانسه مسافرت کردم و با استفاده از موزه‌ها و کتابخانه‌های آن کشورها مواد بسیاری برای کتابهایی که در دست تألیف داشتیم فراهم داشتیم. در بیروت یکچند مهمان مؤسسه فرانکلین بودم و در اردن و سوریه و عراق هم چندی در کتابخانه‌ها به مطالعه و تحقیق اشتغال جستیم.

بین سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ مدتی در دانشگاه پرینستون و دانشگاه کالیفرنیا لوس آنجلس به تدریس ادبیات، تاریخ ایران و تصوف ایرانی اشتغال جستیم و در بازگشت از این سفر به درخواست و الزام رئیس دانشگاه طهران به دانشکده ادبیات منتقل شدم و آنجا در گروه آموزشی تاریخ و گروه آموزشی ادبیات و زبان فارسی مجال همکاری پیدا کردم.

این همکاری که شامل تدریس تاریخ اسلام، آیین تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری و همچنین تدریس نقد ادبی، متون تصوف و ادبیات تطبیقی شد هنوز ادامه دارد. در بین مدارس عالی دیگر که نیز گه‌گاه در آنها به تدریس اشتغال داشتم دانش‌سرای عالی، دانشکده هنرهای دراماتیک و مدرسه عالی وعظ و تبلیغ اسلامی را باید نام برد. نقد نمایشنامه، تاریخ عقاید و تاریخ

ادیان مباحثی بود که مدت‌ها درین مدارس به تدریس آنها اشتغال داشتم. در سال ۱۳۵۷ برای عمل جراحی قلب به آمریکا رفتم، چندی بعد مخصوصاً بین سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ در پاریس ضمن ادامه معالجه به مطالعه و تحقیق اشتغال جستیم و در همین مدت بود که فرصتی برای تدوین و تحریر مطالعات خویش در باب مثنوی مولانا جلال‌الدین پیدا کردم.

در حال حاضر بیش از سی و پنج سال از عمرم را به تدریس در دانشگاه طهران صرف کرده‌ام که اکثر آن نیز همراه با تألیف کتاب و مقالات یا مسافرت‌های علمی بوده است این کار هنوز هم، در سنین هفتاد سالگی ادامه دارد و خوشوقتم که در طی این مدت با وجود اصرار و ابرام بعضی اولیاء وقت به هیچ کار دیگر جز معلمی رغبت نشان ندادم در مدرسه باقی ماندم. با این حال این تأسف را دارم که آنچه را خود در مدرسه همواره طالب آن بودم آنگونه که در جوانی می‌پنداشتم حاصل نکردم و اگر به طالب علمان جوان درین مدت فایده‌ی رسانده باشم از بخت خود خرسند خواهیم بود.

در مورد فهرست نوشته‌هایم که شما دوست عزیز به جد و اصرار از من خواسته‌اید و می‌پندارم ارزش ثبت و ذکر را ندارد بر شمردن همه آنها و تمام آنچه در روزنامه‌ها، مجلات، دائرةالمعارف‌ها، مجموعه‌ها نشر کرده‌ام وقت بسیار می‌گیرد و مایه ملال خاطر عزیزان خواهد بود. اگر هم درین زمینه توفیق قابل ملاحظه‌ی حاصل کرده‌ام غیر از تأیید الهی تا حد زیادی آن را مدیون همکاری‌ها و یاریهای همسرم دکتر قمر آریان می‌دانم که از سالهای دانشجویی در دانشگاه مشوق و مددکار و تیماردار من بوده است و بدون اظهار سپاس از یاریها و غمخواری‌های وی نمی‌توانم از آنچه فرصت تألیف و تدوین آن را درین مدت یافته‌ام یاد کنم. فهرست معتملی از مجموعه آثار و مقالاتی را که در مجلات و مجموعه‌ها نوشته‌ام و مقالات روزنامه‌ها و قسمت عمده‌ای از سخن‌رانی‌هایم در آن شماربست بعضی دوستانم تهیه کرده‌اند که بالنسبه طولانی است و شاید در پایان یکی از کتابهایی که هم‌اکنون در دست چاپ دارم الحاق شود.

با اینهمه در ذیل این سرگذشت مختصر، برای اینکه درخواست آندوست عزیز را هم بی‌جواب نگذاشته باشم به برخی از این آثار که فقط شامل کتابهای مستقل چاپ شده و قابل دسترس خواهد بود درین جا اشارت می‌کنم و تفصیل درباب موضوع یک یک آنها را

به عهده خود سرکار می‌گذارم. فهرست موجزی که فعلاً ذکر آن برایم ممکن و مقدور است ازین قرار است:

ارزش میراث صوفیه، ارسطو و فن شعر، از چیزهای دیگر (مجموعه مقالات). از کوچه زندان (درباره زندگی و اندیشه حافظ). بامداد اسلام. با کاروان اندیشه، با کاروان حله، بحر در کوزه (تحلیل قصه‌های مثنوی مولانا)، پله پله تا ملاقات خدا (درباره زندگی و مولانا)، اندیشه مولانا، تاریخ ایران بعد از اسلام، تاریخ در ترازو، تاریخ مردم ایران (در دو جلد)، ترجمه فن شعر ارسطو، جستجو در تصوف ایران، دفتر ایام (مجموعه مقالات)، در قلمرو وجدان (تاریخ ادیان و عقاید)، دنباله جستجو در تصوف ایران، دو قرن سکوت. سزنی (در تفسیر و تحلیل مثنوی مولانا در دو جلد)، سیری در شعر فارسی (تاریخ شعر ایران با منتخبات)، شعر بی دروغ شعر بی نقاب (در زمینه نقد ادبی)، فرار از مدرسه (درباره زندگی و اندیشه امام غزالی، این کتاب به عربی هم ترجمه شده است)، قصیده ترسائیه (ترجمه رساله مینورسکی با تعلیقات)، کارنامه اسلام (مشمول بر تاریخ علوم و تمدن اسلامی)، نقد ادبی (آشنائی با نقد ادبی در یک جلد)، نقد ادبی (با تاریخ نقد در جهان و نقد ادبیات معاصر در دو جلد)، نقد ادبی برای دانشجویان پیام نور (با همکاری دکتر حمید زرین‌کوب)، نقش بر آب (مجموعه مقالات و رسالات همراه با خاطرات زندگی نویسنده)، نه شرقی نه غربی انسانی (مجموعه مقالات، نقدها و نمایشواره‌ها)، یادداشت‌ها و اندیشه‌ها (شامل تکدرخت و مقالات و داستان‌ها)، چند اثر دیگر از جمله کتابی درباره نظامی گنجوی و تاریخی به نام روزگاران ایران هم‌اکنون در زیر چاپ است که ان شاءالله به زودی نشر خواهد شد. نوشته‌های بسیار از جمله قصه‌های فلسفی و اشعار هم هنوز چاپ نشده باقی است که به اندک صرف وقت آماده نشر خواهد شد.

اما فرصت زیادی از عمر نمانده است و تردید دارم که آنچه نیز تاکنون نشر کرده‌ام به زحمت سیاه کردن این چند ورق می‌ارزیده است یا نه؟

تهران ۱۳۷۶



قلم
روز بی کویا